

مردم در انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ گزینه ای را انتخاب کردند که پیشتر از آزمون فساد ستیزی در جایگاه ریاست قوه قضائیه سربلند بیرون آمده بود. آن پیشینه این اعتماد را ایجاد می‌کرد که دست کم در کابینه دولت سیزدهم از وزاری که به هر ترتیب نام خود یا فرزندان‌شان در پرونده های فساد اقتصادی مطرح شود، خبری نیست. خاصه که منتخب مردم صراحتاً «مردمی بودن»، «ضد فساد بودن» و «داشتن روحیه انقلابی» را به عنوان سه شرط اصلی انتخاب همکارانش در دولت اعلام کرده بود

هنگامه انجام تکلیف دولت برای حذف ارز ترجیحی و اجرای قانون اصلاح هدفمندی یارانه‌ها از امکان تنش آفرینی آن کاست و مانع از تکرار تجربه ناخوشایندی شد که آبان ۹۸ در واکنش به اصلاح قیمت بنزین روی داد. این در حالی بود که در جراحی اقتصادی اخیر و با حذف ارز ترجیحی به حکم نمایندگان مردم در مجلس قیمت تعداد بیشتری کالای مصرفی افزایش می‌یافت. حال اگر چه پرداخت یارانه حمایتی قابل توجه و اعلام برنامه‌های آتی دولت برای شیوه واقعی کردن هدفمندی یارانه‌ها می‌توانست در واکنش متفاوت جامعه مؤثر باشد اما بی‌شک در این تفاوت نمی‌توان تأثیر افزایش سرمایه اجتماعی را که حاصل عملکرد «دولت مردمی» بود نادیده گرفت.

همه برای ایرانی قوی

چند انگاره‌های ذهنی حاکم بر بعضی از دولت‌های پیشین آنها را از کامیابی رسیدن به این خواست دور کرد. مردم ایران یکی از تلخ‌ترین این ناکامی‌ها را در هشت سال گذشته تجربه کردند. درست در دورانی که رویکرد حاکم بر دولت وقت این بود که حل مسائل میان جمهوری اسلامی ایران و غرب و به‌طور مشخص جلب رضایت اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای می‌تواند پایان همه مشکلات باشد. گویی فراموش

بهبود شرایط معیشتی در هر زمانی اگر چه خواست حداقلی جامعه است اما هدف غایی مردم ایران به‌عنوان مردمی با آرمان‌های انقلابی در سطحی عالی‌تر وجود ایرانی است که قدرت، اقتدار و صلابتی به بلندای تاریخ و تمدن هزاران ساله خود و در خور جایگاه ام‌القرایی جهان اسلام داشته باشد. بهبود معیشت در عین افزایش اقتدار ایران اهدافی بودند که هر یک از دولت‌ها به شیوه‌ای برای تحقق‌اش پا به میدان گذاشتند، هر

کرده بودند که دشمنی غرب ریشه‌هایی بسیار عمیق‌تر از درصد غنی‌سازی اورانیوم دارد و آنچه در حقیقت تحمل نمی‌شود جغرافیای غنی و گسترده‌ای به‌نام ایران است که با برخورداری از فرهنگ و ایدئولوژی نافذ توانسته حتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود معنا پیدا کند. همین بود که از «برجام» به‌عنوان حاصل همه سال‌هایی که توان کشور متمرکز بر سیاست خارجی شد و کلید اسرار و حلال همه مشکلات لقب گرفت جز درختی بی‌ثمر بر جای نماند. درخت بی‌ثمیری که در سایه‌اش می‌شد نشست و برای همه سوءتدبیرها، بی‌عملی‌ها و ناکارآمدی‌ها، بهانه‌هایی از جنس کارشکنی دلوپسان و ناگزیر بودن تأثیر تحریم‌ها بر همه امور تراشید.

در چنان هنگامه‌ای بود که گفتمان عرضه شده از سوی سید ابراهیم رئیسی به جان و دل اکثریت مردم ایران نشست. گفتمانی که در آن واقعیت تأثیر تحریم‌ها و ضرورت مذاکره با هدف رفع آنها نفی نمی‌شود اما مبنای اصلی بر قدرت‌یابی ایران از مسیر اتکا بر تقویت تولید داخلی و پیشرفت و توسعه درون‌زا قرار داده شده است. به این ترتیب «ایران قوی» هدف متعالی و خواست مشترک همه مردم ایران بود و آنها را به انتخاب کاندیدایی ترغیب کرد که تأکید داشت «در دولت مردمی، جناح‌های سیاسی، دسته‌بندی‌های قومی و مذهبی و گروهی، رنگ می‌بازد» و این وحدت و انسجام ملی برای تولید منابع اقتدار در داخل به خدمت گرفته می‌شود.

امروز اگرچه هنوز کشور با انباشت مشکلات بر جای مانده به‌عنوان حاصل پیوند سال‌ها ناکارآمدی مدیریت اجرایی با تحریم و فشار خارجی مواجه است و اتفاقاً به‌دلیل پا گذاشتن در راهی که جراحی اقتصادی بزرگ لقب گرفته است مردم با موج جدیدی از گرانی کالاها مواجه هستند با این حال افق پیش رو را روشن می‌بینند. افقی که در آن قرار است خبری از چنبره اختاپوس فساد نباشد، بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی معطل ثمر داشتن یا نداشتن هیچ مذاکره‌ای نمانند و مدیران اجرایی با همه توان مخلصانه خود را وقف اجرای مسئولیت و تعهداتشان کنند. این آرمانی است که مردم را به مثابه پشتوانه‌ای مستحکم همراه دولت سیزدهم ساخته است برای به ثمر رساندن یک عهد، دولتی که مردمی بماند و ایرانی که با قدرت و اقتدار بر بلندای تاریخ خود ببالد.



علیرضا صوت‌اکبر / ایران